

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



جایگاه جادو، دیو و پری در شاهنامه فردوسی

مهین شمایی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

چکیده

جادو از آغاز خلقت بشر به صورت یک اعتقاد تام و همه گیر در میان تمام اقوام و ملل وجود داشته و تا روزگار ما هم اگر چه اثرات آن کم رنگ تر گشته اما هنوز ادامه دارد. مقوله جادو و جادو گری از دیر باز در ادبیات و فرهنگ ایران زمین نیز وجود داشته تا آنجا که بسیاری از متون کهن ادبیات فارسی در سده های گذشته مشحون از مسائل مربوط به جادو و جادو گری می باشد. و شاهنامه فردوسی "بزرگ ترین اثر حماسی ایران" از این نظر مستثنا نیست و بارها و بارها در ذکر داستان ها و اتفاقات شاهنامه از آن بهره می گیرد. در این پژوهش سعی گردیده ابتدا به واژه جادو و تاریخچه جادو گری پرداخته شود سپس مصادیق این مضمون مانند "سحر، افسون، دیو و پری" مورد بررسی قرار گیرد. در انتها این نتیجه بدست آمد که واژه جادو در شاهنامه هم به معنای نیرنگ و حيله به کار رفته و هم به عنوان نیروی ماوراء طبیعی و تسخیر کننده طبیعت، اشیاء و انسان ها. همچنین در جنگ های بین تورانیان و ایرانیان، تورانیان از جادو استفاده می کنند و ایرانیان و پهلوانان ایرانی با توکل بر خدا جادو ها را باطل می سازند.

کلید واژه: شاهنامه، جادو، جادو گری، دیو، پری

مقدمه:

سخن گفته شد گفتنی هم نماند
من از گفته خواهم یکی با تو راند

سخن هر چه گویم همه گفته اند
بر وبوم دانش همه رفته اند

جادو از آغاز خلقت بشر به صورت یک اعتقاد تام و همه گیر در میان اقوام و ملل وجود داشته و تا روزگار ما هم اثرات آن اگر چه بسیار کم رنگ، ادامه یافته است. در اساطیر و آیین های همه اقوام هند و اروپایی نیز جنبه هایی از اعتقاد به جادو وجود دارد همچنین این مقوله از قدیم الایام در ادبیات و فرهنگ ایران زمین وجود داشته است؛ تا آنجا که بسیاری از متون کهن ادبیات فارسی در سده های گذشته مشحون از مسائل مربوط به جادو و جادو گری می باشد که شاهنامه فردوسی "بزرگ ترین اثر حماسی ایران" را نیز نباید از این قانده کلی مستثنا دانست.

در شاهنامه پیروزی ها، شکست ها، جشن ها، جنگاوری ها و آداب و رسوم مردم به شیوه ها و شکل های مختلف بیان شده است. فردوسی در بیان این موارد تمام تلاش خود را به کار می بندد تا تصویری روشن و دقیق از فرهنگ و تمدن اصیل ایرانی که بیم فراموش شدن آن می رفت ارائه دهد.

در این تلاش، فردوسی از تمامی مظاهر موجود در فرهنگ عامه آن زمان کمک می گیرد، مظاهری از قبیل: عشق، محبت، سحر، جادو، ابلیس، دیو، پری و صدها مضمون دیگر.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



یکی از مقوله هایی که فردوسی بارها و بارها در ذکر داستان ها و اتفاقات شامنامه از آن بهره می گیرد " جادو و جادو گری و قصه های دیو و پری " است .

در این کنکاش بر آنیم تا به پرسش اصلی و اساسی پاسخ دهیم و آن این است که "جادو و جادو گری" چیست ؟ و مصادیق به کار گیری این مضمون در شاهنامه کدام است ؟

سحر و جادو در لغت :

در دائرة المعارف فارسی در تعریف "جادو" آمده است: ((جادو یا سحر، فن تسخیر قوای طبیعی و فوق طبیعی به وسیله ی افسون و اعمال مخصوص دیگر با تشریفات خاص)) (مصاحب ، بی تا ، ذیل واژه جادو)

معادل عربی جادو "سحر" است و سحر در لغت عبارت است از ((هر چیزی که مأخذ آن لطیف و دقیق باشد)). (دهخدا ، ۱۳۳۹ ، ذیل واژه سحر)

جادو در اوستا به صورت "یاتو" (yato) در پهلوی یاتوک (yatuk) آمده است . در اوستا به صورت اسم مذکر و به معنی جادو گر می باشد؛ چنانکه در فارسی و پهلوی نیز به همین معنی به کار رفته است . جادو ها در اوستا از نیروی زبان کاری هستند که به همراه کویان ها (karapan) ، کوی ها (kavi) ، پری ها راه زنان دو پا ، ستمکاران ، گمراه کنندگان دو پا و گرگ های چهار پا در خدمت اهریمن هستند . این موجودات زبان کار پس از دیوان هفت گانه ی اصلی که از اولین آفریده های اهریمن هستند دومین گروه خدمت گزار اهریمن به شمار می روند . (جادو و جادو گری در شاهنامه ، ص ۴۱)

تاریخچه جادو گری :

بی تردید جادو ، تاریخی به قدمت تاریخ بشر دارد . باستان شناسان در این باره معتقدند که منشأ جادو به دوران قبل از تاریخ تعلق دارد .

از زمانهای بسیار دور ، این احساس در بشر به وجود آمد که با موجودات شریر و ماوراء الطبیعه رو به روست و در این رویارویی ، آیین های جادویی تنها سلاح او هستند . مردم سراسر جهان در طول تاریخ کم و بیش به جادو گری عقیده داشته اند .

در شمال آسیا و اروپا مردم جادو گران خود را "شمن" می نامیدند . در میان آریایی های ساکن هند و ایران نیز رو حائیون دینی (مغ) مسئول دور کردن موجودات پلید و باطل کردن سحر و ... بودند . این مورد امری عمومی بود و هیچ گونه اقدام مهمی بدون رجوع به وضع صور فلکی به عمل نمی آمد . هر واقعه ی زمینی به اعتقاد مردم نتیجه ی جنگ ستارگان سعد و نحس در آسمان بود و این در حقیقت همان نبرد بین اهورا مزدا و اهریمن بود . (کریم نژاد ، ۱۳۸۵)

در بررسی جادو و جادو گری به این نتیجه می رسیم که بین جادو و علم و دین ارتباط وجود دارد . از یک سو جادو را می توان شکل تکامل نیافته ی علم دانست ؛ به این صورت که انسان بدوی آرزو ها و خواسته های خود را در قالب اعمال جادویی نمودار می کند . مثلاً در زمان خشک سالی با پاشیدن آب بر زمین و جادوی تقلید ، می خواهد زمین و خدایان را وادار به بارش کند و این خود زمینه ساز پیشرفت های علمی در جهات گوناگون است که از جمله آنها کشف باران مصنوعی به شیوه ی امروزه می توان نام برد .

کیمیا گری نیز در ابتدا نوعی جادو گری بوده است و کیمیا گران ، جادو می دانسته اند و اوراد جادویی

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی

Center of
Development of
Modern Training
of Iran



می خوانده اند این علم امروزه در شکل پیشرفته خود همان علم شیمی است. طالع بینی نیز همان نجوم است. "فریزر" جادوگری را خواهر زاده ی نامشروع علم میدانند و می گوید: ((وقتی به یاد می آوریم که جادو در مسیری دیگر راه را برای علم باز کرده است، مجبوریم بپذیریم که اگر هنر سیاه، تباہ کاری زیادی صورت داده منشأ خیر بسیاری نیز بوده است که اگر فرزند خطاست، با این وجود مادر حقیقت نیز به شمار می رود.)) (فریزر، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴) و همچنین به طور کلی مبحث در مان و جادو از دیر باز با هم در ارتباط و تعامل خاصی بوده و انسان هایی که در قدیم می زیسته اند از این منظر بهره های فراوانی برده اند ((انسان های ابتدایی آیین جادویی را به جا می آورد؛ زیرا که بدان ایمان داشت و به سود مندی آن معتقد بود و نظرات پزشکی ابتدایی خود را بر پایه ی آن به کار می بست. هر جا که جادوگران حرفه ای پدیدار می شدند، هنر درمان کردن نیز به انحصارشان در می آمد. آمیختگی روحانیت و پزشکی و جادو و مشاغل مربوط به آن و قدرت برتری یافتن مردان و حتی زنانی که بدین امور می پرداخته اند در میان اقوام ابتدایی از همین طریق صورت پذیرفته است.)) (حماسه در رزم راز ملی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷) واژه طب نیز در فرهنگ ها به معنی سحر به کار رفته است ((پزشکی پیش از تاریخ جنبه ی علم نیم تجربی و نیم جادویی داشته و پزشکان جادوگران به آن می پرداخته اند امکان دارد که موفقیت فوق العاده بعضی از آن جادوگران وابسته به قدرت روحی آنان یا از آن جهت بوده که دیگران به چنین نیرویی بر آنان اعتقاد داشته اند)) (تاریخ طب در ایران پیش از اسلام، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴) ((مصریان سحر و جادو را در طب دخالت می دادند و اصولاً این امر در دوران طب قدیم در میان جمع اقوام دیده می شود.)) (همان، ص ۱۲) در نزد ایرانیان کهن مانند بسیاری از اقوام و ملل، بیماری عامل جادویی داشته و برای دفع آن می باید به جادوگر روی آورد. (همان ص ۱۱۴) ((جادو در میان فلاسفه هم راه پیدا کرده فلاسفه که نمایندگان رهبران عقل و منطق هستند باز هم به اعمال جادویی اعتقاد داشتند. روش کار آنها به این قرار بود که بر اندام اعتقادات کهن جادویی که با زندگی مردم عجین شده بود جامه های زیبا پوشانند و آنها را عقل و استدلال نامیدند؛ فلاسفه ی مکتب فیثاغورث نه تنها نظریه پردازان جادو بلکه مجریان آن نیز بودند.)) (تاریخ جادوگری، ترجمه ی ایرج گل سرخی، ۱۳۷۷، ص ۶۷)

جادو و جادوگری در شاهنامه :

واژه جادوگری و مشتقات آن، مانند جادویی، جادوان، جادوستان، جادو پرست، جادو نژاد، تقریباً ۱۴۸ بار در شاهنامه به کار رفته است. بیشتر کاربرد ((جادو)) در شاهنامه به معنای فریب و نیرنگ است. به نظر میرسد که حماسه سرای بزرگ ایران هر گاه خواسته پلیدی ذات کسی را نشان دهد از واژه ((جادو)) استفاده کرده است.

مصادیق این مفهوم را در داستان سیاوش می بینیم؛ سودابه از زن جادویی می خواهد که با خوردن دارویی بچه هایی که در شکم دارد بیفکند و چنین وانمود کند که بچه ها متعلق به کاووس اند و بر اثر آزار سیاوش مرده اند. کاری که این زن انجام میدهد، از عهده هر انسان پلیدی ساخته است و نیروی ماوراء طبیعی به حساب نمی آید. کار این زن نیرنگ و فریبی بیش نیست.

چو دانست سودابه کاو گشت / همان سرد شد بر دل شهریار

یکی چاره جست اندر آن کار زشت / ز گیتی درختی به نوبی بکشت

زنی بود با او سپرده درون / پر از جادوی بود ورننگ و فسون

گران بود اندر شکم بچه داشت / همی از گرانی به سختی گذاشت

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی

Center of
Development of
Modern Training
of Iran



...یکی دارویی ساز کاین بکنی / تهی مانی و راز من نشکنی

...به کاوس گویم که این از منند / چنین کشته بر دست اهریمنند

...چو شب تیره شد دارویی خورد زن / که بیفتاد زو بجه ی اهرمن

دو بجه چنانچون بود دیو زاد / چه گونه بود بجه جادو نهاد (شاهنامه ، ج ۱ ص ۱۴۵)

در موارد دیگر ، جادو یا معنای نیرنگ دارد یا صفت شخصیت هایی است که اعمال خارق العاده و جادویی انجام داده اند .

در شاهنامه اولین جادو و جادو گر ((ضحاک)) است که سپاهیان جادویی جمع آوری می کند و در سرزمین جادوستان زندگی می کند .

چنان بد که ضحاک جادو پرست / از ایران به جان تو یازد دست (بیت ۱۵۸ ، ص ۶۰ ، ج ۱)

داستان فریفته شدن ضحاک توسط دیوان از مهمترین مصداق های جادو گری در شاهنامه شمرده می شود

او ابتدا توسط ابلیس فریفته می شود و پدر خود مرداس را به طمع پادشاهی به چاه انداخته و از میان

می برد . بار دیگر ابلیس به صورت خورشگری ظاهر شده و از او تقاضای بوسیدن کتف شاه را می کند و از جای بوسه او دو مار می روید . و برای در مان

این دو مار هم ، باز فریب ابلیس را می خورد . این بار هم شیطان تغییر شکل داده و در هیأت پزشکی ظاهر می شود و چاره را در خوردن مغز سر جوانان می

داند . به هر حال ضحاک پادشاهی منفی در شاهنامه است که بارها و به اشکال مختلف فریب ابلیس را می خورد .

با ظهور ضحاک :

هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند

شده بر بدی دست دیوان دراز / به نیکی نرفتی سخن جز به راز

دو پاکیزه از خانه ی جمشید / برون آوردند لرزان چو بید

که جمشید را هر دو دختر بدند / سر بانوان را چو افسر بدند

به ایوان ضحاک بردندشان / بر آن اژدها سپردندشان

بپروردشان از ره جادویی / بیا موختشان کژی و بد خوئی (ص ۱۷ بیت ۱۴-۱۷)

همچنین ار جاسب ، افراسیاب ، کیخسرو ، فریدون ، شاه مازندران ، زال از جمله کسانی هستند که به جادو منسوب شده اند . کسانی مانند رستم ، فریدون ،

اسفندیار و کیخسرو جادو کش و جادو شکن دانسته شده اند .

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



می بینیم که فریدون و کی خسرو هم جادو کش هستند وهم جادو گر . جادو گر دانستن فریدون به این دلیل است که بر اساس نسخه ی ژول مول برای آزمایش پسرانش به اژدها تبدیل می شود. وبر سر راه آنان قرا می گیرد. جادو کش بودن او به این دلیل است که ضحاک را که به وجود آورنده ی جادوست نابود می کند. اسطوره ی جادویی دیگر مربوط به داستان کیخسرو است ،این داستان در شاهنامه با ناپدید شدن کیخسرو در پای چشمه ی آب پس از برف و یوران خاتمه می یابد. او با نامه ای که می نویسد و به طرف دژبهنم - که جایگاه دیوان و جادوان است - می فرستد این دژرا ویران می کند . علاوه بر این در پایان عمرش به گونه ای جادویی ناپدید می شود هم چنین در نبرد با بهرام در غاری گرفتار می شود که راه گریز ندارد ؛اما به گونه ای جادویی و بر اساس شاهنامه به کمک سروش از غار نجات می یابد .

اولین کاربرد جادو در شاهنامه به داستان طهمورث پسر هوشنگ مربوط می شود. طهمورث به کمک وزیرش که مردی با ایمان بود ،چنان ازبدی ها پاک شده که به فرّه ایزدی دست یافت و به واسطه فرّه ایزدی حتی توانست اهریمن را به افسون بندد ،به همین سبب هم به ((طهمورث دیو بند)) معروف شد . دیوان وقتی کردار نیک شاه و مخالفت های او را با اعمال خود دیدند ،دور هم جمع شدند تا فرّ و تاج را از او بگیرند .

به فرّ جهان دار بستش میان / به گردن بر آورد گرز گران

همه نرّه دیوان افسونگران / برفتند جادو سپاهی گران

دمنده سیه دیوشان پیش رو / همی باآسمان بر کشیدند غو

جهان دار طهمورث بافرین / بیامد کمر بسته ی جنگ و کین

(شاهنامه ص ۱۱ ،ب ۳۱-۳۵)

سپاهی که در مقابل طهمورث قرار می گیرد متشکل از دیوان و افسون گران و جادوان است ،پس دیوان نیز دسته ای از جادو گراند . به عبارت بهتر ،از همین ایات مشخص می شود که بین دیوان و جادوان ارتباطی وجود دارد و دیوان می توانند جادو کنند .

و همچنین افرادی که در کاخ ضحاک بوده نرّه دیوان جادو خوانده شده اند .

وزان جادوان کاندر ایوان بدند / همه نامور نرّه دیوان بدند

در شاهنامه بزرگترین جادوان از دیوانند. این موجودات چندان در جادوی چیره دستند که قوای طبیعت نیز رام آنانست . دیو سپید باآسانی باد و گرد و خاک بر انگیخت و ابر سیاه پدید آورد و از سپهر سبک و خشت بر سر سپاهیان کاووس بارید . اکوان دیو رستم را به جادوی بازمین از جای بر کند و بر سر گرفت و باآسمان رفت و به در یا فکند . (حماسه سرایی در ایران ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۵۲)

در برخی از قصه های شاهنامه ،دیوان از شخصیت های مهم و تأثیر گذار به شمار می آیند و از قدیمی ترین دشمنان ایرانند که پیوسته در پی آزار ایرانیان بودند و زیان های سختی وارد آورده اند در اسطوره ها و حماسه های ایرانی از کیو مرث تا گشتاسب از دیو سخن رفته است . این موجودات در شاهنامه گاهی با ابلیس ،اهریمن و جن مترادف آمده است و گاهی هم در معنی رمزی به معنی آفریده ی اهریمنی ،نمادی برای مردم بد و نا بخرد به کار رفته است .

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کسی کو ناکتفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی / Center of Studies for Modern Training of Iran



هر آن کو گذشت از ره آدمی / ز دیوان شمر مشمر از آدمی

حماسه سرای ایران در نامور نامه ی باستان اعمال و کارهایی را به دیوان نسبت داده است که حکایت از پایه های قوی و غنی زندگی متمدنی دارد که گویا سر رشته ی این امور متعدد و متنوع در حوزه های رسالت و دانش ورامشگری و جادویی سپاهی گری و فریبنده گی، مهندسی و معماری در دست آنان بوده است. (گلی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶-۱۵۷) برخی از دیوانی که در شاهنامه از آن ها نام برده شده است عبارتند از ارژنگ، اکوان، اولاد، پولاد غندی، دیو سپید و سنجه و....

در شاهنامه بارها از جنگ مازندران، به ویژه نبرد های رستم با دیوان و جادوان مازندران سخن به میان آمده است. دیو سپید بزرگ ترین جادو گر شاهنامه و سایر دیوان ساکن مازندران اند. شاه مازندران نیز جادو گری است که برای رها شدن از دست رستم خود را به صورت پاره ای ابر در می آورد.

شد از جادویی تنش یک لخته کوه / از ایران برابر نظاره گروه

تهمتن فرو ماند اندر شگفت / سنان دار نیزه به گردن گرفت

موجودات اساطیری دیگری که در کنار نام دیوان در شاهنامه از آنها نام برده می شود ((پریان)) هستند.

در آیین مزدیسنا پری به سان یکی از مظاهر شر از دام های اهریمنی انگاشته شده و بازتاب این انگاره در ادبیات زردشتی چنان است که پری همیشه به زشتی یاد رفته است در اوستا پریان گروهی از بوده های پلید و پتیاره اند که از آن ها در کنار دیوان و جادوان نام رفته است؛ در ادبیات دینی فارسی میانه و در نوشته های پهلوی نیز پری از موجودات اهریمنی است که از نیروی جادو برخوردار است و می تواند نما و پیکر خود را تغییر داده به جامه های دیگر در آید تا پهلوانان را بفریبد. از سوی دیگر از مجموعه ی اشاره های مربوط به پری در شاهنامه و کتاب های دیگر فارسی و افسانه ها، چنین بر می آید که پری موجودی زشت و ناخجسته نیست بلکه به صورت زن اثری بسیار زیبا پنداشته شده که از نیکویی و زیبایی و حتی فر بخوردار است و مثال و نمونه ی زیبا رویی و باندامی و فریبنده گی است و گاه به سبب بهی و سود رسانیش به مردمان و زیباییش در مقابل اهریمن قرار می گیرد. (پری تحقیقی در حاشیه ی اسطوره شناسی تطبیقی، بهمن سر کاراتی، ص ۱-۲)

مهم ترین ویژگی پریان در پیوند با نقش آمیزی آن ها با شاهان و پهلوانان و باروری و دلفریبشان بوده است. در این راستا می توان از زنان جادو گر شاهنامه در هفت خان رستم و اسفندیار سراغ گرفت.

در خان چهارم رستم، به بساط بز می بر می خورد، تنبور به دست گرفته و آواز می خواند زن زیبایی ظاهر می گردد و رستم با دیدن زیبا روی فتانه در بیابانی دور افتاده شگفت زده می شود و نام خدا را بر زبان می آورد. زن با شنیدن نام خدا صورتش سیاه می شود و به گنده پیری زشت بدل می شود. رستم او را گرفته به دو نیم می کند. در هفت خان اسفندیار هم کشتن زن جادو، زیبا و دل فریب در خان چهارم اتفاق می افتد.

خالقی مطلق با توجه به اسطوره های یونانی و حضور زنان چون جادوگران هفت خان ها در روایات ایرانی، تهمینه را نیز در اصل پری جادویی و زبان کار دانسته است، که نقش اهریمنی او فریفتن رستم از طریق ربودن اسب اوست تا از پشت پهلوان فرزندی به دنیا بیاورد که در آینده بتواند جهان پهلوان ایران را از میان بردارد و شرایط پیروزی اهریمن و یارانش را فراهم آورد. (یکی داستان ز آب چشم، خالقی مطلق، ص ۶۷) اما شاید بهتر باشد که تهمینه را با

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین‌المللی هزاره سوم و علوم انسانی انگیز و مینوی را نیز همچنان



شده‌ی شاهنامه حفظ کرده است. (فرعیبیه ای در باره‌ی مادر سیاوش، مجله آیدو، ص ۴)

روانش خرد بود و تن جان پاک / تو گفتی که بهره ندارد ز خاک

از او رستم شیر دل خیره ماند / بر او جهان آفرین را بخواند (شاهنامه، ج ۳، ب، ۵۸-۵۹)

در باره‌ی تهیمنه مادر سهراب حدس زده شده که شاید او در نخستین صورت داستان رستم و سهراب پری بوده است. (خالقی مطلق، ۱۳۷۲، ص ۷۰)

به ویژه روده شدن رخس مقدمه ساز رفتن رستم به سمنگان و بر خورد و ازدواج با تهیمنه می شود. و این ازدواج یک شبه و بدون بر پایی جشن ازدواج این سوال را در ذهن ایجاد می کند که انگیزه‌ی پذیرفتنی این می تواند باشد که به دست آوردن تخمه‌ی پهلوان به نام دشمن، به این مقصود که تنها فرزندی از پشت خود او قادر است بر او و بر قبیله پدر غالب گردد. بر این اساس زن منتخب باید اغوا گر و افسونگر باشد تا بتواند دل از پهلوان بر بیاورد. (در آمدی بر ساختار اسطوره‌ی شاهنامه، ص ۵۰)

در داستان سیاوش نیز، مادر وی، پس از دلربایی از پهلوانان و پادشاه ایران و ازدواج با کاووس شاه و به دنیا آوردن سیاوش، ناگهان بدون هیچ اشاره و تمهیدی از روند داستان غائب می شود و حتی در رویداد های مهمی مانند فتنه انگیزی سودابه و گذشتن سیاوش از آتش، رفتن او به توران زمین و رسیدن خبر کشته شدنش به ایران، کوچکترین نشانه‌ای از مادر وی - که اصولا باید در چنین مواقعی حاضر باشد - دیده نمی شود. این غیبت سریع و ناگهانی بلافاصله پس از تولد سیاوش باز این فرضیه را تقویت می کند که وی پری است که صرفا برای زاینده‌گی و باروری نمایان می گردد؛ و پس از آن دیگر حضورش ضرورت ندارد و ناپدید می شود.

در کل ساختار شاهنامه حالت بینابین و تجلیات اهورایی و اهریمنی پری در کنار هم ملاحظه میشود. برای نمونه علاوه بر تشبیه زنان زیبا روی به پری که باز مانده ناخود آگاه سرشت و ویژگی نخستین پریان است و همراهی پریان با کیومرث و هوشنگ در نبرد با سپاه اهریمن و دیوان.

که من لشکری گرد خواهم همی / خروشی بر آورد خواهم همی

ترا بود باید همی پیشرو / که من رفته ام تو سالار نو

پری و پلنگ انجمن کرد و شیر / ز درندگان گرگ و ببر دلیر

به فرمان شاه جهان بد همه / سپاهی و وحشی و مرغ ورمه

سپاه دد و دام و مرغ و پری / سپهدار با کبر و گنداوری

پس پشت لشکر کیومرث شاه / نبیره به پیش اندرون با سپاه (شاهنامه، بیت ۶۱-۶۶)

و کار برد این لفظ در معنایی متضاد با اهریمن از زبان مهراب کابلی که می گوید:

که با اهریمن جفت گیرد پری / که مه تاج یادت مه پری (همان، بیت ۸۳۵)

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

گناه جلوه در ۱۵ شهریور ۱۳۹۵

Center of
Modern Training
of Iran



اخراسیب می سارده، پری از نیروهای اهریمنی و جادو

پنداشته شده است .

پری یک به یک ز اهرمن کرد یاد / میان سواران در آمد چو ماه

پری بیگمان بخت برگشته بود / که بر من همی جادویی آزمود (همان ، ص ۳۲۶، ب ۲۷۸- ۲۹۱)

در اساطیر و داستان های یونانی و هندی و ایرانی، مهر ورزی بر پریان و ازدواج با آن ها معمولا فرجامی شوم دارد و شهریار یا پهلوانی که با پری پیوند گرفته دچار سرگردانی یا مرگ می شود (سر کراتی، ۱۳۷۸، ص ۲۱، ۲۲). این بن مایه ی هند و اروپایی احتمالا در داستان سیاوش ، با انتقال حماسی آسیب از همسر پری به فرزند او، به نوعی باز مانده است و آن آوارگی سیاوش، فرزند پری، در توران و فرجام بی گناه و ناجوانمردانه کشته شدن اوست . انتقال بد عاقبتی از همسر پری به فرزند او در داستان رستم و سهراب هم دیده می شود. (فرضیه ای در باره مادر سیاوش، ص ۳۸)

مبحث دیگری که در شاهنامه به آن پرداخته شده، جادو درمانی ها یا به عبارت بهتر جادو پزشکی است . در مانگری هایی که هر کدام به نوعی شگفتی آور و جاودانه اند، داستان زادن رستم، در مان رستم و رخس توسط سیمرغ در نبرد رستم و اسفندیار و در مان یابی گستهم با مهره جادویی خسرو و در مان چشمان کاووس با خون جگر دیو سپید و همچنین نوش دارو، این معجون جادویی، که در شاهنامه آورده شده هر چند از آن استفاده نشده است .

در پایان ذکر این نکته ضروری است که ساحری و جادو گری خاصه در جنگها که جای مردی و مردانگی است ، کار دشمنان ایرانست و ایرانیان به ویژه پهلوانان ایرانی بدین کار دست نمی زنند و آن را کاری اهریمنی می دانند و با آن به جنگ و ستیزه بر می خیزند و تنها یک جا رستم به چاره گری متوسل می شود، نه به ساحری و آنهم به راهنمایی زال که به قول اسفندیار مردی جادو پرست و در جادویی زبردست بود . و این نخستین بار بوده که چاره گری و ناجوانمردی از یک پهلوان مشاهده می گردد . که البته رستم از این کار خود اظهار پشیمانی کرده و به صراحت بیان می کند که :

چو بیچاره برگشتم از جنگ اوی / بدیدم کمان و بر و جنگ اوی

سوی چاره گشتم زیچارگی / ندادم بر او سر به یک بارگی

البته باید توجه به این نکته معطوف داشت که هیچ پهلوان تناوری یارای غلبه بر اسفندیار نداشته زیرا او رویین تن بود و چیرگی بروی جز از طریق چاره وحله میسر نمی گشته است و بنابر این غلبه ی رستم بر اسفندیار هم از طریق پهلوانی و مردی میسر نبوده است .

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی

گنجینه کبری



جادو و جادوگری از زمان های قدیم در ادبیات و فرهنگ ایران زمین وجود داشته است تا آنجا که بسیاری از متون کهن ادبیات فارسی مشحون از این مضمون می باشد. یکی از موضوعات اصلی شاهنامه مقوله ی جادو و جادوگری و قصه های دیو و پری است. واژه جادو در شاهنامه بیشتر به مفهوم بد ذاتی و نیرنگ به کار رفته است و در بعضی موارد به عنوان نیروی ماوراء طبیعی و تسخیر کننده طبیعت، اشیا و انسان ها مورد نظر قرار گرفته است.

ساحری و چاره گری خاصه در جنگ ها که جای مردانگی است کار دشمنان ایران است و ایرانیان به ویژه پهلوانان ایرانی بدین کار دست نمی زدند و آنرا کاری اهریمنی می دانند در جنگ ها بین تورانیان و ایرانیان، تورانیان از جادو استفاده می کنند و ایرانیان با توکل با خدا جادو ها را باطل می کنند.

همه ی جادوگری های شاهنامه سیاه نیستند بلکه بسیاری از این امور را جادوی مثبت و سفید دانست زیرا به کسی آسیب نمی رسانند. در داستان های شاهنامه وجود دیو و پری نشان دهنده ی شکلی از جادو و جادوگری است و این دو موجود جزء جادوان شناخته شده اند.

منابع:

- ۱- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۲، تهران چاپ دوم
- ۲- مصاحب، غلام حسین؛ دائرة المعارف فارسی، ج ۱، شرکت سهامی کتاب های جیبی، بی تا
- ۳- محمدی، هاشم؛ جادو و جادوگری در شاهنامه، فردوسی، سال دوم، تیر ماه، ۱۳۸۳
- ۴- صفا، ذبیح الله؛ حماسه سرایی در ایران، چاپ سوم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۳
- ۵- محمد زاده، خلیل؛ حماسه در رمز و راز ملی، چاپ دوم، توس، تهران، ۱۳۷۹
- ۶- نجم آبادی، محمود؛ تاریخ طب در ایران پیش از اسلام، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱
- ۷- گل سرخی، ایرج؛ تاریخ جادوگری، چاپ اول، نشر علم ۱۳۷۷
- ۸- فردوسی، ابو القاسم؛ شاهنامه، چاپ دهم، بر اساس چاپ مسکو، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۶
- ۹- مختاریان، بهار؛ در آمدی بر ساختار اسطوره، چاپ یکم، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۹
- ۱۰- خالقی مطلق، جلال؛ یکی داستان پر آب چشم، (گل رنج های کهن) به کوشش علی دهباشی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲
- ۱۱- آیدنلو، سجاد؛ فرضیه ای در باره ی مادر سیاوش نامه ی فرهنگستان، دوره ی هفتم، شماره ۳
- ۱۲- کریم نژاد، سعید؛ تاریخ و فلسفه علم، www.hosc.blagfa.com
- ۱۳- فریزر، جیمز؛ شاخه زرین، مترجم: کاظم فیروز مند، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۲

International Conference on “the Third Millennium and Humanities”

May 11, 2016

۱۳۸۶ سالگرد علوم انسانی، بین المللی، هزاره سوم و علوم انسانی

Center of
Interdisciplinary
Modern Studies
of Iran



۱۵- دماوندی، مجتبی؛ جادو پزشکی در شاهنامه، نشریه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳۱

۱۶- سر کاراتی، بهمن؛ ((پری تحقیقی در حاشیه ی اسطوره شناسی تطبیقی))، سایه های شکار شده، تهران، نشر قطره،

Archive of SID